

رابطه‌ی شیوه‌های فرزند پروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان ندا فرهینی^۱، غلامعلی افروز^۲ و سید کاظم رسول زاده طباطبایی^۳

چکیده

هر فرد تیزهوشی، لزوماً خلاق نیست، اما بهره برداری کامل از هوش، بدون خلاقیت میسر نیست. بنابراین مطالعه‌ی عوامل مرتبط با خلاقیت تیزهوشان ضروری است. هدف از این پژوهش، مطالعه‌ی ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان است. به این منظور، تعداد ۲۳۷ دانش آموز دختر دبیرستانی مدارس سمپاد (استعدادهای درخشان) شهر تهران، با روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد و «آزمون کمرویی استنفورد»، «مقیاس خلاقیت عابدی» و «مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند» به عنوان ابزار سنجش، مورد استفاده قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر روش‌های آمار توصیفی، از ضریب هم‌خوانی خی دو برای معنادار بودن ضریب فای استفاده شد. نتایج نشان داد در گروه افراد با شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی مادر، در کمرویی پایین، کمترین فراوانی مربوط به خلاقیت در سطوح بسیار کم و کم بوده و بیشترین فراوانی مربوط به سطوح خلاقیت زیاد و بسیار زیاد است و یافته‌ها بین سطوح کمرویی و خلاقیت با توجه به سبک فرزند پروری منطقی نشان می‌دهد که میزان ضرایب هم‌خوانی برابر با ۰/۵۱ بوده است ($p < ۰/۰۰۱$). به عبارتی، اکثر افرادی که تحت شیوه‌های فرزند پروری اقتدار منطقی بوده و دارای سطح کمرویی پایین هستند، از خلاقیت بالاتر از متوسط برخوردار هستند. بنابراین میان شیوه‌ی فرزندپروری اقتدار منطقی و کمرویی پایین با خلاقیت در تیزهوشان رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، کمرویی، خلاقیت، تیزهوش

neda_farahini@yahoo.com

۱. نویسنده‌ی رابط: دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تهران

۲. استاد ممتاز گروه روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۴

مقدمه

هر جامعه‌ای که به بقا و پیشرفت خود می‌اندیشد، استعدادهای درخشان خود را در کانون توجه قرار می‌دهد. به‌طور کلی سال‌هاست که یک حرکت جهانی شروع شده و به سمت توجه ویژه، به نخبگان و تیزهوشان جهت گیری کرده است (ریو، میر و بوناسیو^۱، ۲۰۰۶). اما از آن جا که مهارت‌های تفکر، چگونگی به کارگیری هوش را مشخص می‌کند، در صورتی فرد می‌تواند از توانایی هوشی خود کمال استفاده را ببرد که از قدرت خلاقیت برخوردار باشد (چنگ^۲، ۲۰۱۱). این در حالی است که پژوهش‌ها در زمینه‌ی ارتباط هوش و خلاقیت نشان می‌دهد که هر فرد خلاق، دارای هوش‌بهر متوسط به بالاست، اما تنها برخی از تیزهوشان، خلاق بوده (سیلویا، وینترستین، ویلس، بارونا، کرام و همکاران^۳، ۲۰۰۸) و همه آن‌ها قادر نیستند برای خود و جامعه‌شان، مثمر ثمر واقع گردند.

با توجه به ضرورت وجود خلاقیت، به خصوص در تیزهوشان، و از آن جا که خلاقیت قابل رشد و افزایش است (نیو و لیو^۴، ۲۰۰۹)، تاکنون مطالعات گسترده‌ای در زمینه متغیرهای مرتبط و مؤثر با آن انجام گرفته است. به عقیده برخی از صاحب نظران مجموعه‌ای از عوامل شناختی، متغیرهای محیطی، متغیرهای شخصیتی و متغیر جنسیت بر خلاقیت مؤثر است (آیزنک^۵، ۲۰۰۰). از این میان، عوامل بسیاری وجود دارد که در حالی که به نظر می‌رسد از اهمیت بسیاری برخوردار است، مطالعه‌ای روی آن‌ها صورت نگرفته است.

1. Reeve, Meyer & Bonaccio
2. Cheng
3. Silvia, Winterstein, Willse, Barona, Cram, Hess & et al
4. Niu & Liu
5. Eyzenk

کمرویی، یکی از مواردی است که به‌عنوان مانعی برای تعاملات اجتماعی پویا محسوب شده و می‌تواند مانعی برای بروز و ظهور خلاقیت نیز به‌شمار رود. چرا که بسیاری از نیازهای عالی‌ه انسان و شکوفا شدن استعدادها و خلاقیت‌هایش تنها از طریق تعامل بین فردی و ارتباطات اجتماعی فعلیت می‌یابد (هایسر، ترنر، بیدل و رابرسون^۱، ۲۰۰۹). مطالعه کمرویی از این جهت نیز حائز اهمیت است که قابل درمان بوده (سیلویا و همکاران، ۲۰۰۸) و در صورت ارتباط این دو متغیر، با رفع آن می‌توان شاهد افزایش خلاقیت بود.

اما به منظور بررسی ارتباط کمرویی با خلاقیت، بررسی خانواده نیز اهمیت دارد. مطالعات نشان می‌دهد هر دو متغیر کمرویی و خلاقیت می‌تواند متأثر از شیوه‌ی فرزندپروری والدین باشد.

در رابطه با خلاقیت؛ روان‌شناسان اجتماعی به نقش ساختارهای اجتماعی در پرورش افراد خلاق تأکید دارند. در این گروه پژوهش‌ها، خلاقیت به‌صورت سیستمی متشکل از عناصر متعدد شناختی در بافت اجتماعی تعریف می‌گردد و این افراد بر این باورند که خانواده، مدرسه و به‌طور کلی محیط اجتماعی به‌عنوان عناصر تشکیل دهنده موقعیت خلاق مطرح هستند (جفری و کرافت^۲، ۲۰۰۱).

در رابطه با کمرویی؛ به اعتقاد افروز (۱۳۸۵)، محیط خانواده، الگوهای رفتاری بزرگسالان، نحوه و میزان ارتباطات عاطفی و کلامی و اجتماعی خردسالان با والدین و بزرگسالان خانواده و تجارب اولیه کودک، بیشترین تأثیر را در رشد و یا پدید آیی اضطراب و کمرویی کودکان می‌تواند داشته باشد.

1. Heiser, Turner, Beidel & Roberson-Nay

2. Jeffrey & Crfat

با توجه به ابعاد رفتاری « گرمی و کنترل»، با مریند^۱ (۱۹۹۱؛ به نقل از دیاز^۲، ۲۰۰۵)، سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود:

الف: الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش، اقتدار منطقی

ب: الگوی رفتاری استبدادی، سخت گیر

ج: الگوی رفتاری سهل گیر، آزاد

والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش در امر تربیت کودک خود، کنترل و گرمی زیاد؛ والدین مستبد، کنترل زیاد و گرمی کم و والدین سهل گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می نمایند (با مریند، ۱۹۹۱؛ به نقل از دیاز، ۲۰۰۵).

علیرغم اهمیت موضوع، در هیچ یک از مطالعات گذشته، پژوهشی که به مطالعه هم زمان این سه متغیر بر افراد تیزهوش پرداخته باشد، وجود ندارد.

حتی در زمینه‌ی رابطه‌ی کمرویی و خلاقیت نیز مطالعات اندکی وجود دارد. تنها در یک پژوهش بسیار قدیمی، نتیجه مطالعه جاناتان^۳ (۱۹۸۶)، نشان داد که میان کمرویی با خلاقیت کلامی^۴، رابطه‌ی منفی وجود دارد. به عبارتی با افزایش کمرویی، شاهد کاهش خلاقیت کلامی هستیم. اما ویژگی‌هایی وجود دارد که ارتباط آن‌ها با هر یک از متغیرهای کمرویی و خلاقیت آمده است. به عنوان مثال، میان اضطراب با کمرویی، رابطه‌ی مثبت (هیسر و همکاران، ۲۰۰۹؛ چاویرا، استین و مالکارن^۵، ۲۰۰۲) و با خلاقیت، رابطه‌ی منفی (وایت^۶، ۱۹۶۸؛ پارنز^۷، ۱۹۷۱)، میان خودپنداره‌ی مثبت با

1. Baumrind
2. Diaz
3. Janatan
4. verbal creativity
5. Chavira, Stein & Malcarne
6. White
7. Parnez

کمرویی، رابطه‌ی منفی (افروز، ۱۳۸۵) و با خلاقیت، رابطه‌ی مثبت (ژو، فارور، یو و ژان^۱، ۲۰۰۹)، میان اعتماد به نفس و عزت نفس با کمرویی، رابطه‌ی منفی (فوردهام^۲، ۱۹۹۹) و با خلاقیت، رابطه‌ی مثبت (استرنبرگ^۳، ۱۹۹۰) و میان جسارت و جرأت ورزی با کمرویی، رابطه‌ی منفی (افروز، ۸۵) و با خلاقیت، رابطه‌ی مثبت (آسندورف^۴، ۲۰۰۸) وجود دارد. بر اساس این روابط، ارتباط میان خلاقیت و کمرویی قابل توجیه است.

در رابطه‌ی فرزندپروری با خلاقیت مطالعات بسیاری انجام گرفته است و نتایج حاکی از آن است که برقراری ارتباط منطقی با فرزندان و عدم وجود رفتارهای دیکتاتوری والدین رابطه مستقیمی با خلاقیت فرزندان دارد (نادری اثر، ۱۳۸۷).

نتیجه‌ی مطالعه‌ی نشان داد که وجود تعاملات مناسب میان والدین و فرزندان نقش بسیار مهمی در ایجاد تحولات شناختی و اجتماعی در کودکان دارد (آنولا و نورمی^۵، ۲۰۰۵)، که این نتیجه می‌تواند رابطه‌ی فرزندپروری مناسب را با هر دو متغیر کمرویی و خلاقیت توجیه کند.

با مقدمه‌ای که ذکر شد، هدف از این پژوهش پاسخ گویی به این سؤال است که آیا شیوه‌های فرزند پروری والدین و کمرویی می‌تواند به‌عنوان عواملی تعیین کننده در میزان خلاقیت تیزهوشان به شمار آید؟

با عنایت به مطالعات گذشته می‌توان استنباط کرد که میان شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و کمرویی پایین با خلاقیت تیزهوشان رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

1. Xu, Farver, Yu & Zhan
2. Fordham
3. Sternberg
6. Asendorph
5. Aunola & Nurami

روش

گروه هدف این پژوهش، دانش‌آموزان دختر تیزهوش مدارس استعدادهای درخشان بود که در سه مدرسه در شهر تهران شاغل به تحصیل هستند. از آن جا که از بین این مدارس، دبیرستان فرزاتگان ۱ معرف کل بود، به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شد. افراد مورد مطالعه دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم دبیرستان رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی بود که تعداد آن‌ها ۶۰۵ نفر بود.

با توجه به تعداد متغیرها و ماهیت تحقیق که از نوع همبستگی است، حجم نمونه ۲۵۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی خوشه‌ای است، بدین ترتیب که از میان تعداد ۲۰ کلاس، ۹ کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شد. تست‌های خلاقیت و کمرویی بر تمامی افراد حاضر اجرا گردید، اما به منظور آگاهی از نوع شیوه‌ی فرزندپروری والدین، مقیاس شیوه‌های فرزندپروری در پاکت‌های در بسته به دانش‌آموزان داده شد تا مادران ایشان تکمیل کنند. در نهایت، تعداد ۲۳۷ نفر، پاسخ‌نامه‌ها را تحویل دادند. در این پژوهش از سه ابزار استفاده شد:

۱- **مقیاس سنجش خلاقیت عابدی:** این آزمون، یکی از ابزارهای معتبر تشخیص خلاقیت به‌شمار می‌آید. آزمون شصت سئوالی خلاقیت عابدی، چهار مقوله اساسی خلاقیت، یعنی «سیالی»، «ابتکار»، «انعطاف‌پذیری» و «بسط» را می‌سنجد. روایی^۱ آزمون با استفاده از روایی سازه (تحلیل عاملی از نوع تأییدی) و روایی ملاک مورد تأیید قرار گرفت. اعتبار^۲ آزمون با استفاده از ثبات درونی آلفای کرونباخ بررسی و بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۵ به‌دست آمد. (عابدی، ۱۳۷۲). در پژوهش حاضر اعتبار نمره کل خلاقیت، از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ به‌دست آمد.

1. Validity
2. Reliability

۲- آزمون کمرویی استنفورد: فرم اصلی این مقیاس شامل ۴۴ سؤال بوده است

که در دانشگاه استنفورد ساخته شده است. روایی آزمون با استفاده از روایی سازه (تحلیل عاملی) محاسبه گردید که نشان دهنده روایی مطلوب آزمون است. اعتبار آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روش دو نیمه سازی به دست آمد که بین ۰/۸۵ تا ۰/۸۸ در نوسان بود (برادران باقری، ۱۳۷۷). در این پژوهش، اعتبار تست مورد نظر از طریق دونیمه کردن و با روش اسپیرمن براون، ۰/۸۵، با روش گاتمن، ۰/۸۵ شده و هم چنین از طریق ثبات درونی (آلفای کرونباخ) نیز مقدار ۰/۸۸ به دست آمد.

۳- مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند: این مقیاس تمام جوانب سبک‌های

تربیتی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و پس از بارها تجدیدنظر به شکل کنونی خود درآمده است. این ابزار برای بررسی شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است و بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از الگوی رفتاری سهل‌گیر، سلطه‌جو و اقتدارطلب، اقتباس شده است. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه سلطه‌جو و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدارطلب به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسش‌نامه والدین نظر خود را بر حسب مقیاس ۵ درجه لیکرتی مشخص می‌کنند. این تست از اعتبار و روایی بالایی برخوردار بوده و در پژوهش حاضر نیز، اعتبار تست مورد نظر از طریق آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۷۴ برای الگوی اقتدار منطقی، ۰/۷۲ برای الگوی استبدادی و ۰/۷۶ برای الگوی آزاد به دست آمد.

نتایج

میانگین سنی آزمودنی‌ها برابر با (۱۵/۵۱)، با انحراف معیار (۰/۸۶) است.

خلاصیت: حداقل نمره در نمونه مورد نظر، ۱۰۰ و حداکثر آن ۱۷۵ بوده و میانگین

نمرات برابر با ۱۴۷/۴۹ و انحراف معیار برابر با ۱۲/۴۱ است. جدول ۱ توزیع فراوانی

رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان

طبقات خلاقیت را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی (۴۱/۸ درصد) مربوط به طبقه (خلاقیت زیاد) بوده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی طبقات خلاقیت

P	F	
۲/۱	۵	۶۰-۱۲۰ خلاقیت بسیار کم
۱۳/۵	۳۲	۱۲۱-۱۳۵ خلاقیت کم
۲۶/۲	۶۲	۱۳۶-۱۴۵ خلاقیت متوسط
۴۱/۸	۹۹	۱۴۶-۱۶۰ خلاقیت زیاد
۱۶/۵	۳۹	۱۶۱-۱۸۰ خلاقیت بسیار زیاد
۱۰۰	۲۳۷	کل

کمرویی: حداقل نمره در نمونه مورد نظر، ۵۱ و حداکثر آن ۱۱۵ بوده و میانگین نمرات برابر با ۷۸/۶۶ و انحراف معیار برابر با ۱۲/۶۵ است. تقسیم بندی طبقات کمرویی بر اساس نمرات افراد در گروه مورد نظر انجام گرفته است. جدول ۲، توزیع فراوانی طبقات کمرویی را نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی (۶۹/۶ درصد)، مربوط به (کمرویی متوسط) می‌باشد.

جدول ۲. توزیع فراوانی طبقات کمرویی

P	F	
۱۴/۳	۳۴	کمتر از ۶۶ کمرویی کم
۶۹/۶	۱۶۵	۶۷-۹۱ کمرویی متوسط
۱۶	۳۸	۹۲- به بالا کمرویی بالا
۱۰۰	۲۳۷	کل

شیوه‌های فرزندپروری: پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری بامریند شامل ۳۰ سؤال ۵ گزینه‌ای که ۱۰ ماده‌ی آن به شیوه‌ی استبدادی، ۱۰ ماده به شیوه‌ی آزاد و ۱۰ ماده آن به

شیوه‌ی منطقی تعلق می‌گیرد. دامنه‌ی نمرات در هر یک از این عوامل از ۱۰ تا ۵۰ می‌باشد. جدول ۳ میانگین و انحراف معیار نمرات در هر یک از این عوامل را نشان می‌دهد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار و توزیع فراوانی ۳ شیوه‌ی فرزندپروری

P	F	حداکثر نمره	حداقل نمره	SD	M	
۸۸/۶	۲۱۰	۵۰	۲۳	۴/۹۹	۴۰/۹۱	منطقی
۴/۲	۱۰	۴۱	۱۱	۵/۲۹	۲۲/۵۹	استبدادی
۷/۲	۱۷	۵۰	۱۲	۵/۸۲	۲۶/۶	آزاد

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی (۸۸/۶ درصد)، مربوط به شیوه‌ی فرزندپروری اقتدار منطقی است.

به منظور آزمون فرضیه از ضریب فای استفاده گردید. به این صورت که افراد را بر اساس خلاقیت، کمرویی و سبک‌های فرزندپروری طبقه بندی کرده، سپس میزان ارتباط بین کمرویی پایین با خلاقیت در گروه افراد با شیوه‌ی فرزندپروری منطقی بررسی شد که نتایج در جداول ۴ و ۵ آمده است.

جدول ۴. ارتباط طبقات کمرویی و خلاقیت در گروه افراد با شیوه‌ی فرزند پروری منطقی مادر

کمرویی	خلاقیت	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	کل
فراوانی	۰	۰	۲	۱۶	۱۰	۲۸	
پایین	درصد در متغیر کمرویی	۰	۰	۷/۱	۵۷/۱	۳۵/۷	۱۰۰
درصد در متغیر خلاقیت	۰	۰	۳/۵	۱۷/۸	۳۲/۳	۱۳/۳	
فراوانی	۲	۱۴	۴۵	۶۸	۲۰	۱۴۹	
متوسط	درصد در متغیر کمرویی	۱/۳	۹/۴	۳۰/۲	۴۵/۶	۱۳/۴	۱۰۰
درصد در متغیر خلاقیت	۴۰	۵۱/۹	۷۸/۹	۷۵/۶	۶۴/۵	۷۱/۰	
زیاد	فراوانی	۳	۱۳	۱۰	۶	۱	۳۳

رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان

۱۰۰	۳/۰	۱۸/۲	۳۰/۳	۳۹/۴	۹/۱	درصد در متغیر کمرویی
۱۵/۷	۳/۲	۶/۷	۱۷/۵	۴۸/۱	۶۰	درصد در متغیر خلاقیت
۲۱۰	۳۱	۹۰	۵۷	۲۷	۵	فراوانی
۱۰۰	۱۴/۸	۴۲/۹	۲۷/۱	۱۲/۹	۲/۴	درصد در متغیر کمرویی کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد در متغیر خلاقیت

جدول ۵. نتایج آزمون خی دو، فای و کرامر

کرامر	فای	خی دو	ارزش
۰/۳۶	۰/۵۱	۵۳/۲۸	ارزش
-	-	۸	درجات آزادی
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	سطح معناداری

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در این جدول که نشان‌دهنده‌ی ارتباط میان سطوح کمرویی و خلاقیت در گروه افراد با شیوه‌ی فرزندپروری منطقی مادر است، در قسمت افراد با کمرویی پایین، کمترین فراوانی مربوط به خلاقیت در سطوح بسیار کم و کم بوده و بیشترین فراوانی مربوط به سطوح خلاقیت زیاد و بسیار زیاد است.

نتایج بین سطوح خلاقیت و سطوح کمرویی با توجه به سبک فرزندپروری منطقی نشان می‌دهد که میزان ضرایب هم‌خوانی برابر با ۰/۵۱ است که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است.

بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. به عبارت دیگر اکثر افرادی که تحت شیوه‌ی فرزندپروری اقتدار منطقی بوده و دارای سطح کمرویی پایین هستند، از خلاقیت بالاتر از متوسط برخوردار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور آزمون این فرضیه انجام شد که میان شیوه‌ی فرزند پروری اقتدار منطقی و کمرویی پایین با خلاقیت تیزهوشان رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

هر چند در مطالعات پیشین تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه‌ی ارتباط هم‌زمان سه متغیر شیوه‌های فرزند پروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان انجام نگرفته است، اما ویژگی‌هایی وجود دارد که ارتباط آن‌ها با هر یک از این سه متغیر آمده است. به‌عنوان مثال، میان کمال‌زدگی (کمال‌گرایی^۱) با خلاقیت (ساداتی، ۸۷) و شیوه‌ی فرزند پروری منطقی (کاوامورا^۲، ۲۰۰۲) رابطه‌ی منفی و با کمرویی (افروز، ۸۵) رابطه‌ی مثبت، میان خودپنداره‌ی مثبت با خلاقیت (حسینی، ۸۳) و فرزندپروری منطقی رابطه‌ی مثبت و با کمرویی (افروز، ۸۵) رابطه‌ی منفی، میان عزت‌نفس با خلاقیت (استرنبرگ، ۱۹۹۰) و فرزند پروری منطقی (لاو^۳، ۱۹۹۲) رابطه‌ی مثبت و با کمرویی (فورد هام، ۱۹۹۹) رابطه‌ی منفی، میان دلبستگی ایمن با خلاقیت (حسینی، ۸۳) رابطه‌ی مثبت و با کمرویی (رابین^۴، ۲۰۰۱) رابطه‌ی منفی، وجود دارد. این موارد نشان می‌دهد متغیرهایی که با خلاقیت بالا در ارتباط است، در عین حال با شیوه‌ی فرزندپروری منطقی و کمرویی پایین نیز در ارتباط است و با عنایت به این مفهوم علت تأیید فرضیه، مشخص و نتیجه پژوهش قابل توجه است.

پس با نقشی که شیوه‌های تربیتی والدین در بالابردن اعتماد به نفس، ایجاد خودپنداره مثبت و رشد اجتماعی در فرزندان دارد، انتظار می‌رود فرزندان که تحت تأثیر شیوه‌های تربیتی مناسب هستند، کمرویی پایین‌تری نسبت به افرادی که تحت تأثیر

-
1. perfectionism
 2. Kawamura
 3. Lau
 4. Rubin

روش‌های نامناسب تربیتی قرار دارند، برخوردارند و به تبع آن جسارت و جرأت ورود به چالش‌ها و مسائل بیشتری داشته و از ظرفیت‌های بالاتر شناختی که زمینه ساز خلاقیت بالاتر است، بهره مند گردند.

این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از آنجا که داده‌های به‌دست آمده از سوی آزمودنی‌ها به‌صورت خودگزارشی است، احتمال گزارش بیش از اندازه یا کمتر از اندازه واقعی پاسخ‌ها وجود دارد؛ هم‌چنین ارزیابی پاسخ غیرواقعی افراد، ناشی از درک نادرست پرسش‌ها، نیز می‌تواند یافته‌ها را مخدوش سازد. در واقع یکی از محدودیت‌های روش خودگزارش‌دهی^۱ این است که والدین ممکن است به خاطر هم‌نوایی با اجتماع بیشتر به نکات مثبت تعاملی خود با فرزندش اشاره کنند و به نوعی آن‌ها را بزرگ‌نمایی کنند، در حالی که واقعیت امر می‌تواند غیر از این باشد. از این رو به نظر می‌رسد که بایستی از روش‌های دیگری جز پرسش‌نامه در این امر استفاده کرد.

روشن است که این بررسی مقطعی بوده و یافته‌های به‌دست آمده در زمینه‌ی ارتباط شیوه‌ی فرزندپروری، خلاقیت و کمرویی، تنها نمایانگر معنادار بودن آن در میان گروه‌های مورد بررسی است، اثبات ارتباط علت و معلولی نیازمند انجام دادن بررسی‌های طولی و کنترل شده است.

یکی از محدودیت‌های اساسی در پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص نقش والدین در کودکان، تأکید آن‌ها بر نقش مادران است، از این رو احساس می‌شود که بایستی در مطالعات آتی بیشتر بر نقش پدر و حتی تعامل والدین تأکید شود و دیگر این که از آنجا که طبقه بندی سطوح کمرویی در تست اجرا شده مشخص نبود، از طبقه‌بندی بر اساس میزان در نمونه مورد نظر استفاده شد.

1 . self-report

با توجه به فرایند و نتایج این پژوهش، مواردی برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

از آن جا که کمرویی در پسران می‌تواند اثرات مخرب تری نسبت به دختران داشته باشد (گزل و لاد، ۲۰۰۳)، و در برخی مطالعات میان خلاقیت و جنسیت ارتباط معنادار گزارش شده است، به نظر ضروری می‌رسد تا در مطالعات آتی، این موضوع با تکیه بر نقش جنسیت مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به ویژگی‌های خاص و مشترک دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس استعداد درخشان، بهتر است به منظور کنترل متغیر هوش، از آزمون‌های هوشی در جوامع دیگر بهره‌گرفت. چرا که ممکن است بر نتایج تأثیر گذار باشد.

در رابطه با ترتیب تولد و متغیرهای ذکر شده در این پژوهش فرضیات بسیاری مطرح است. به اعتقاد افروز (۱۳۸۵)، کمرویی در فرزندان اول خانواده و تک فرزندان بیش از سایر فرزندان خانواده دیده می‌شود. بنابراین می‌توان این متغیر را در مطالعات بعدی مدنظر قرار داد.

توجه به متغیرهای مداخله‌گر نظیر هوش والدین، خلاقیت والدین، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، تعارضات زناشویی، اشتغال مادر، سلامت روان‌شناختی والدین و... منجر به کسب نتایج دقیق‌تر می‌شود.

استفاده از مصاحبه‌های عمیق می‌تواند اطلاعات بیشتری از آزمودنی‌ها به جای استفاده از پرسش‌نامه ارائه دهد.

طبق تجربه محقق در طول مدت اجرا و تعاملاتی که با والدین و مربیان صورت گرفت، دانش‌آموزان این مدارس به دلیل صفت ممتازی که ایشان را از جامعه متمایز کرده،

خودرأیی بالاتر و حرف شنوی پایین تری برخوردارند. تحصیل در این مدارس، احتمالاً باعث خود پنداره‌ی مثبت‌تر و احساس کفایت بیشتری در این افراد شده است که خود می‌تواند تأثیر بسزایی در کمرویی پایین تر و خلاقیت بالاتر داشته باشد. طبق مطالعات گذشته، بافت و محیط، تأثیر زیادی در کمرویی دارد (برونت و اشمیت^۱، ۲۰۰۷). و به نظر می‌رسید این دانش‌آموزان کمرویی پایین تری نسبت به جامعه عادی برخوردارند. بنابراین بهتر است در مطالعات کمرویی، به بافت و محیط نیز توجه بسزایی گردد.

این تحقیق تنها بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی صورت گرفت. با توجه به آن که خلاقیت در دبستان کاهش چشمگیری داشته و در دوران مدرسه در میزان خلاقیت تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. هم‌چنین خلاقیت در دوران‌های سنی مختلف، فراز و فرودهای بسیاری دارد، سن را می‌توان در پژوهش‌های آتی مورد نظر قرار داد. در انتها موارد زیر برای کاربردی شدن نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود:

با توجه به آن که این مطالعه بر روی دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان صورت گرفت، این پژوهش می‌تواند مطالعه مؤثری در جهت افزایش شناخت سازمان آموزش و پرورش و سازمان استعدادهای درخشان و هم‌چنین مریبان و والدین از این دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها باشد.

از آن‌جا که در غالب موارد، رفتار انفعالی و آرام و سکوت مضطربانه کودک کمرو، به‌عنوان یک صفت پسندیده تلقی می‌شود، ممکن است در مدرسه، با تایید و تشویق معلمان، به شیوه‌ی مستقیم یا غیر مستقیم تقویت شود (افروز، ۱۳۸۵)، هم‌چنین خلاقیت با ورود به مدرسه کاهش پیدا کرده، چرا که تحقیقات نشان می‌دهد که معلمان پاسخ‌های وابسته (غیر خلاقانه) را بر پاسخ‌های منحصر به فرد دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند (بقتو^۲،

1. Brunet and Schmidt
2. Beghetto

۲۰۰۷). بنابراین نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند اهمیت و ضرورت وجود خلاقیت را برای معلمان و مربیان روشن ساخته و راهنمای مناسبی برای ارتباط با دانش‌آموزان به شمار آید.

از آن جا که در این مطالعه به بررسی شیوه‌های فرزند پروری والدین پرداخته شد و اهمیت و ضرورت برقراری ارتباط مناسب با فرزندان مشخص شد، این پژوهش می‌تواند به ارتقاء کیفی شیوه‌های فرزند پروری والدین کمک کند.

منابع

افروز، غلامعلی (۱۳۸۵). روان‌شناسی کمرویی و راه‌های درمان. چاپ نهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

برادران باقری، محمود (۱۳۷۷). بررسی کمرویی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان مدارس عادی و تیزهوش شهرستان اسلامشهر. دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۳). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.

ساداتی فیروزآبادی، سمیه (۱۳۸۷). رابطه جهت‌گیری هدفی و کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن، پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۲۰۱)، ۴۶-۵۴.

نادری اثر، محمدحسن (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین، سبک‌شناختی و خلاقیت در دانش‌آموزان دختر و پسر. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

Aunola, K. & Nurmi, J. E. (2005). The role of parenting styles in children's problem behavior. *Child Development*, 76, 1144-1159.

Asendorpf, J. B. (2008). Shyness. *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development*, 6, 146-153

- Beghetto, R. A. (2007). Does creativity have a place in classroom discussions? Prospective teachers' response preferences. *Thinking Skills and Creativity*, 2 (1), 1-9.
- Brunet, P. M. & Schmidt, L. A. (2007). Is shyness context specific? Relation between shyness and online self-disclosure with and without a live webcam in young adults, *Journal of Research in Personality*, 41, 938-945.
- Chavira, D. A., Stein, M. B. & Malcarne, V. L. (2002). Scrutinizing the relationship between shyness and social phobia. *Journal of Anxiety Disorders*, 16, 585-598.
- Cheng, V. M. Y. (2011). Infusing creativity into Eastern classrooms: Evaluations from student perspectives. *Thinking Skills and Creativity*, 6(1), 67-87.
- Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behaviour problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland.
- Eyzek, M. W. (2000). *Cognitive psychology A student's handbook*. First published by psychology press Ltd.
- Fordham, K. & Stevenson-Hinde, J. (1999). Shyness, friendship quality, and adjustment during middle childhood. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 40, 757-768.
- Gazelle, H. & Ladd, G. (2003). Anxious solitude and peer exclusion: A diathesis stress model of internalizing trajectories in childhood. *Child Development*, 74, 257-278.
- Heiser, N. A., Turner, S. M., Beidel, D. C. & Roberson-Nay, R. (2009). Differentiating social phobia from shyness. *Journal of Anxiety Disorders*, 23, 469-476.
- Jeffrey, B. & Craft, A. (2001). The universalization of creativity. In Craft, A., Jeffrey, B., and Leibling, M. (Eds.) *creativity in education continuum*.
- Janatan. M. Cheek & Shein, S. Stahl (1986). Shyness and verbal creativity. *Journal of research in personality*, 20(1), 58-67.
- Kawamura, K. W., Frost, R. O. & Harmatz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32, 317-327.
- Lau, S. & Leung, K. (1992). Relations with parents and school and Chinese adolescents' self-concept, delinquency, and academic performance. *British Journal of Educational Psychology*, 62, 2, 193-202.
- Niu, W. & Liu, D. (2009). Enhancing Creativity: A Comparison Between Effects of an Indicative Instruction "to Be Creative" and a More Elaborate Heuristic Instruction on Chinese Student Creativity. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 3(2), 93-98.
- Parnes, Sidney J. (1971). Creativity: Developing human potential. *Journal of creative behavior*, 5 (1), 19-35.
- Reeve, Ch., Meyer, R. & Bonaccio, S. (2006). Intelligence-personality associations reconsidered: The importance of distinguishing between general and narrow dimensions of intelligence. *Intelligence*, 34(4), 387-402.
- Rubin, K. H. (2001). Shyness and behavioral inhibition. Available on line. University of Maryland, college park, Maryland, USA.
- Silvia, P., Winterstein, B., Willse, J., Barona, C., Cram, J., Hess, K., Martinez, J. & Richar. C. (2008). Assessing Creativity With Divergent Thinking Tasks: Exploring the Reliability and Validity of New Subjective Scoring Methods. *Psychology of Aesthetics*,

Creativity, and the Arts, 2(2), 68-85.

Sternberg, R. J. (1990). Handbook of human intelligence. Cambridge University Press.

White, Kinnard. (1968). Anxiety, extraversion-introversion, and divergent thinking ability.

Journal of creative behavior, 2 (2), 119-127.

Xu, Y., Farver, J., Yu, L. & Zhan, Z. (2009). Three Types of Shyness in Chinese Children and the Relation to Effortful Control. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97(6), 1061-1073.

Archive of SID